

سبقت‌گویی

اُستادانه

همانند یک اُستاد یاد بگیرید!

خلاصه کتاب فارسی عمومی دکتر محمود فتوحی و تلفیق جزوه فارسی عمومی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

فهرست مطالب

| | |
|----|--------------------------------|
| ۳ | کلیات..... |
| ۳ | ادبیات چیست؟..... |
| ۴ | ادبیات و زبان..... |
| ۵ | ادبیات چه ارزشی دارد؟..... |
| ۶ | دانش های ادبی..... |
| ۱۱ | نقد ادبی..... |
| ۱۳ | ۱- علم بیان..... |
| ۱۴ | ۲- علم معانی..... |
| ۱۵ | ۳- علم بدیع..... |
| ۱۶ | برگزیده متون ادبیات فارسی..... |
| ۱۶ | قصیده..... |
| ۲۲ | غزل..... |

| | |
|-----|-----------------------------|
| ۲۸ | قطعه |
| ۳۳ | مثنوی |
| ۵۰ | رباعی |
| ۵۳ | دوبیتی |
| ۵۳ | شعر آزاد |
| ۶۵ | نثر چیست؟ |
| ۸۶ | نامه و نامه نگاری |
| ۸۷ | نامه |
| ۸۷ | انواع نامه |
| ۸۸ | تعریف نامه اداری: |
| ۸۸ | اجزای نامه های اداری: |
| ۹۰ | چند اصطلاح در نامه نگاری |
| ۹۲ | توصیه های کلی در نگارش نامه |
| ۹۶ | ویرایش |
| ۱۰۲ | ویژگی های زبان عامیانه : |
| ۱۰۵ | نگارش نام های خاص |
| ۱۱۱ | دستور خط فارسی |



ادبیات چیست؟

دو هزار سال پیش برای شناخت ماهیت و چیستی ادبیات تلاش‌های پیوسته و مستمری صورت گرفته است در زبان فارسی دو واژه (ادب) و (ادبیات) گاه مترادف یکدیگر به کار می‌روند (ادبیات) دیرینه دارد در نزد پیشینیان ادب عمدتاً مفهومی اخلاقی داشته چنان که در تعریف آن گفته اند (ادب شناختن اموری است که آدمی به وسیله آن خویش را از هر نوع خطایی حفظ کند.) بعدها ادب به دانش‌هایی اطلاق می‌شد که آدمیان بدان خود را از خطای سخن گفتن مصون می‌داشته اند این دانش‌ها اقسام مختلفی دارند: از جمله صرف و نحو، معانی و بیان، بدیع، قافیه خط قرائت و انشا و...

هنوز هم ادیب به کسی گویند که با اسلوب والای سخن آشنا باشد

واژه ادبیات در زبان فارسی از عصر مشروطه ۱۲۸۵ (شمسی) کاربرد زیادی پیدا می‌کند.

اما امروزه در زبان فارسی اصطلاح ادبیات در معانی مختلفی به کار می‌رود ما ضمن اشاره به این کاربردها سعی داریم تعریف روشنی از ادبیات ارائه کنیم

الف) مجموعه نوشته‌ها اصطلاحات و رفتارهای که در یک رشته علمی یا حرفه‌ای خاص مقبولیت و تداول می‌یابد مانند: ادبیات پزشکی، ادبیات مدیریت، ادبیات اخلاق، ادبیات سینما و ادبیات سیاست در این نوع کاربردها ادبیات به معنی آداب و سلوک رایج در این مقولات است.

ب) همه آثار مکتوب و به طور کلی هر نوشته‌ای که به تاریخ تمدن بشری متعلق باشد ادبیات شمرده می‌شود.

این تعریف متون علمی تاریخی جغرافیای پزشکی و فلسفی گذشته را نیز در بر می‌گیرد و بر اساس همین تعریف بسیاری از محققان ادبی ما متون علمی قدیم را در زمره آثار ادبی کهن قرار می‌دهند..

ج) ادبیات نوشته‌های بالایی است که بلندترین و بهترین اندیشه‌ها و خیال‌ها را در عالی‌ترین و بهترین صورت‌ها بیان می‌کند.

این تعریف گرچه درست و دقیق است اما فقط ادبیات مکتوب را در بر دارد و ادبیات شفاهی مانند افسانه‌ها و حکایات مثل‌ها و ترانه‌های متداول در میان مردم را شامل نمی‌شود.

آنچه درباره ادبیات گفتیم نشان‌دهنده آن است که ادبیات از خانواده هنرهاست برای ارائه تعریف روشن‌تر می‌گوییم ادبیات هنر کلامی است. و یا ادبیات کلامی است زیبا دارای اسلوب والا که خیال‌انگیز، عاطفی نیز هست در این تعریف زیبایی، اسلوب، تخیل و عاطفه که از عناصر ذاتی هنرند جزو عناصر ذاتی ادبیات نیز به شمار می‌روند.



بنابراین تعریف مفاهیم بندهای (الف) و (ب) از حوزه خارج اند و ادبیات در نظر ما هنر کلامی است

ادبیات و زبان

ادبیات یکی از اقسام هنر است

و هر یک از انواع هفتگانه هنر ماده ای خاص خویش دارد. ماده ادبیات نیز زبان است.

که پیشتر در تعریف زبان گفتیم که ((زبان دستگاهی است از نشانه‌های اختیاری و قراردادی که برای ارتباط انسانی به کار میرود))

فرق ماده ادبیات با ماده هنرهای دیگر در این است که ماده ادبیات یعنی زبان، بیرون از ادبیات دارای ساختار و نظام است. اما صوت و رنگ بیرون از ساختار نظام خاصی ندارند.

((انچه ادبیات نام دارد و زبان نیز هست ادبیات همان زبان است که به اضافه یا منهای چیز دیگر))
بنابراین ادبیات کاربردی ویژه از زبان است برای هدفی خاص.

به این نمونه‌ها توجه کنید:

((حضور سبز قبایی میان شیدرها خراش صورت احساس را مرمت کرد.))

((چشم مستش عین ناز ابروی مشکین ناز محض / این چه طوفان است یارب ناز بر بالای ناز / به روی سبزه صبا مشت شبمنی برداشت / برای زینت گردون به آسمان افشاند.))

در جملات فوق عناصر زبانی ((آواز و لحن واژه و ساخت)) وجود دارد اما این سخنان به قصد ایجاد ارتباط و اطلاع رسانی بیان نشده است.

بلکه قصد گوینده آفرینش زیبایی است اگر از گزاره‌های شعری بالا قصد اطلاع رسانی داشته باشیم همگی دروغ و کذب خواهند بود.

بنابراین تفاوت عمده زبان و ادبیات در هدف آن دو است.

هدف زبان اطلاع رسانی و ارتباط است و هدف ادبیات زیبایی آفرینی.

در منطق زبان هر واژه معنای قراردادی قاموس روشنی دارد. که در قاموس‌ها و فرهنگ لغت‌ها معنای قراردادی هر واژه را به دقت بیان کرده اند. جمله نیز از لحاظ ساختمان دارای قاعده و منطق هستند یعنی اصول و قواعدی دارند، و از لحاظ معنی نیز از منطق خاصی پیروی می‌کند براساس منطق معنایی زبان هر فعلی از فاعلی سر میزند.

ادبیات به راحتی و به مدد تخیل می‌تواند منطق معنایی زبان را درهم بریزد. یعنی هم کلمه را از معنای قاموسی آن خارج کند و هم منطق معنایی جمله را بهم بریزد. بنگرید که حافظ چگونه واژه را از معنای



قاموسی اش به قلمروی مجاز و ادبیات می کشاند. به جای آنکه بگوید ((چشم مست مشتاق خود را با ناز باز کن.)) می گوید ((بگشا به شیوه نرگس مشتاق مست را))

شاعر نرگس را نه در معنی قاموسی بلکه در معنی (چشم) به کار برده است.

در دو بیت زیر افعال و صفات انسانی به گلهای بنفشه ارغوان نرگس و باد صبا نسبت داده شده است. در حالی که در منطق زبان عادی چنین نسبت هایی پذیرفته نیست

بنفشه طره مفتول خود گره می زد. صبا حکایت زلف تو در میان انداخت

ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد

ادبیات با بهره گیری از شگرد های هنری خویش همچون تصویرسازی، تشبیه، استعاره مجاز و کنایه در آمیختن حس ها و ترکیب عناصر متناقض، و نیز مبالغه و اغراق به زبان نقشی هنری می بخشد علاوه بر این شگرد ها که به مدد خیال صورت می گیرد، از تناسب و تقارن و تکرار موسیقی و آواها و نیز عواطف و احساسات انسان نیز بهره می برد.

و در زبان کاخی بلند از هنر و تخیل می سازد که تنها قرن ها میگذرد و این کاخ همچنان سر بر آسمان می ساید کاخ هایی همچون ((شاهنامه فردوسی، مثنوی مولوی، منطقه الطیر عطار، ایلیداد و ادیسه هومر، هملت شکسپیر، جنگ و صلح تولوستی)) شاهکار های بزرگ تاریخ ادبیات جهان.

به طور خلاصه برخی از تفاوت های زبان و ادبیات را ذکر می کنیم:

- ۱_ نشانه های زبانی تک معنایند اما نشانه های ادبی چند معنایند
- ۲_ زبان از نشانه های قاموسی بهره می برد ولی ادبیات نشانه ها را در معنای دیگر به کار می گیرد.
- ۳_ گزاره های زبانی صدق و کذب پذیرند اما گزاره های ادبیات کذب تخیلی و شعری هستند.
- ۴_ در زبان عادی پیام مستقیم و روشن است؛ ولی در زبان ادبی پیام مبهم است غیر مستقیم بیان میشود.
- ۵_ در زبان چگونگی بیان اهمیت ندارد اما در ادبیات کیفیت بسیار مهم است
- ۶_ زبان عادی کاربردی و صریح است اما زبان ادبی عاطفی و خیالی و مبهم است.

ادبیات چه ارزشی دارد؟

۱_ ادبیات می تواند لذت آفرین باشد از آن جهت که زیبا و والا است. لذت حاصل از زیبایی و والایی نصیب روح آدمی می شود و منفعت مادی در آن متصور نیست.

۲_ ادبیات ابزار تبلیغ و اقناع است و قادر است کار مذهب و اخلاق را انجام دهد



۳- ابزار انتقال دانش و آگاهی و تجربه است، تجربه اموری که قابل دیدن نیست.

۴- ابزار بیان احساسات و هیجانات و مکنونات درونی انسانی است.

۵- وسیله تذکیر و پالایش روح است می تواند عواطف و احساسات خفته خواننده را برانگیزد ارضا کند و آنها بیالاید. ترس ش، خشم، نفرت، عشق اگر در ادبی به طور متعادل انگیخته نشوند روان ادبی اشفته و نامتعادل خواهد شد

۶- ادبیات عرصه تمرین آزادی است، از آن جهت که سازنده جهانی است که می خواهیم و نمی یابیم. با خیالپردازی در قالب زبان می توان بسیاری از ناکامی ها را جبران کرد. ادبیات قلمروی است برای آزادی عمل و گریز از وضع ناخوشایند موجود برای فرار از ملال و ابتذال روزمره زندگی؛ فرار به جهان عدالت شعری در یک کلام ادبیات امکان دخل و تصرف در جهان را بیش از آنچه در توانادمی است به وی میبخشد.

۷- ادبیات نشان دهنده حقایق اموری است که بر اثر عادت زندگی قادر به درک آنها نیستیم.

۸- زمینه همدلی و ارتباط روحی انسان ها را فراهم می سازد .

۹- ادبیات قادر است با ایجاد درنگ و تأمل در روند عادی زندگی پرسش های هوشمندانه ای درباره زندگی و هستی طرح کند.

۱۰- از طریق رمز و استعاره و ایهام به ما امکان می دهد که واقعیت های ناگفتنی را به شیوه رمزی و پوشیده بیان کنیم .

۱۱- از طریق نمایش واقعیت های ناگفتنی را به شیوه رمزی و پوشیده بیان کنیم

۱۲- از طریق نمایش واقعیت اجتماعی با جامعه شناسی هم صدا می شود نویسندگان رمان واقع گرا روابط اجتماعی و انسانی را به دقیق ترین صورت تصویر و تحلیل می کند.

۱۳- می تواند به عنوان خادم دانش های جامعه شناسی، مردم شناسی، روان شناسی و.. مواد و اطلاعات فراوانی و اختیار این دانش ها قرار دهد.

۱۴- قادر است به شیوه هنری و تخیلی تاریخ را بازسازی کند و اجرای زنده پویا و موثر ((رمان تاریخی))

۱۵- ارزش های انسانی از اصیل همچون عشق و محبت را در شکلهای جاودانه به تصویر می کشد.

دانش های ادبی

۱- آثار ادبی از نظر شکل و ساختمان محتوا و شگردهای هنری با یکدیگر متفاوت هستند

چنانکه شعر داستان و نمایشنامه هر کدام ویژگی ها و اصول خاصی دارند.



قدیمی ترین طبقه بندی انواع ادبی در یونان باستان صورت گرفته است اما از آنجا که در میان یونانیان منظومه های شعری رواج بیشتری داشته است آنها چهار نوع شعر حماسی، غنایی، نمایشی و تعلیمی را متمایز ساختند.

این تقسیم بندی بیشتر جنبه محتوایی داشت در ایران هم شعر مقبولیت بیشتری داشت از این رو بر اساس ساختمان و قالب شعر طبقه بندی شد

مانند: قصیده، قطعه، غزل، رباعی، مسمط مستزاد، ترکیب بند، و....

آثار ادبی را از دو دیدگاه کلی می توان طبقه بندی کرد: ۱_ بر اساس محتوا و موضوع آثار ۲_ بر اساس ساختمان و شکل آثار

ادبیات حماسی

موضوع حماسه و ارزش های قومی و ملی است و در آن دلاوری ها، پهلوانی ها، افتخارات بزرگ و پیروزی های بومی و ملی وصف شود. کهن ترین حماسه جهان به نام ((گیل گمش)) متعلق به سومریان سه هزار سال پیش از میلاد است. مسهور ترین حماسه های جهان:

ایلیاد وادیسه، حماسه یونانیان (سده هفتم پیش از میلاد) مها بهاراتا و رامایانا حماسه های هندیان (سده سوم پیش از میلاد) و شاهنامه فردوسی (سده چهارم هجری (حماسه قوم ایرانی)

ادبیات غنایی

آن دسته از آثار ادبی که حاوی احساسات هیجان اندیشه ها و عواطف فردی شاعر یا نویسنده و تجربه های فردی اوست. ادبیات غنایی نامدارد.

اشعار عاشقانه و عارفانه، زهد امامیز، هجو، طنز، مدح، مرثیه، گله، شکواییه، و وصف همگی از نوع غنایی به شمار می آیند. که بیشترین حجم ادبیات جهان را تشکیل می دهند.

ادبیات تعلیمی

آن دسته از آثار ادبی که محتوای آن ها آموزه های اخلاقی، اجتماعی و گاه علمی است و به هدف تعلیم و تربیت آفریده می شود مانند: بوستان و گلستان سعدی و نصب الصبیان و...

تقسیم بندی های نثر مانند: رمان، داستان کوتاه مقاله، قطعه ادبی و زندگی نامه

بهترین طبقه بندی انواع ادبی که در برخی فرهنگ نامه های ادبی آمده است برای ادبیات سه نوع اصلی قایل شده است؛ که عبارتند از: شعر، داستان و نمایشنامه که هر کدام از این نوع اصلی انواع فرعی دیگری را در برمی گیرد



ادبیات شعری: قصیده، قطعه، رباعی، دوبیتی، غزل، مسمط، چهار پاره، شعر آزاد نیمایی، شعر سپید، قطعه های تخیلی احساسی.

ادبیات داستانی: اسطوره، افسانه، حکایت اخلاقی، حکایت حیوانات (فایل)، رمانس، داستاَنک، داستاَن کوتاه، داستاَن بلند، رمان کوتاه و رمان بلند

ادبیات نمایشی: کمدی، تراژدی، اخلاقی، مذهبی، چوپانی، خانوادگی و...

۲_ سبک شناسی

ما به طرز رفتار خاص سبک میگوییم گروه های اجتماعی نیز در رفتار خود دارای سبک های خاص هستند

در عالم ادبیات سبک مفهوم جدیدتری دارد سبک سرآمدان و نام آوران ادبیات به سبک دیگری شباهت ندارد

آنها در هنر خویش یگانه و در سبک خود منفرد. یگانگی در سبک یکی از شاخصه های خلاقیت و ابتکار نویسنده و شاعر به شمار می آید.

تعریف سبک ادبی ((روش خاص هر فرد در بیان اندیشه ها، عواطف و احساسات خویش))

سبک فکر کردن در قالب زبان است، جامه اندیشه است و محصول تجربیات فرد است.

دانش سبک شناسی علم یا نظامی است که به بررسی ماهیت سبک و ویژگی های آن در اشخاص و آثار می پردازد.

در سبک شناسی می توان بسیاری از خوی و خصلت های روانی اخلاقی و اندیشگانی افراد و گروه های اجتماعی و ملل مختلف را شناخت.

چرا که برخی سبک شناسان معتقدند سبک شناسی، قیافه شناسی فکر و روح است، و سبک شیوه نگرش فرد به جهان را نشان می دهد و صدای ذهن او است.

تقسیم بندی سبک ها

یونانیان قدیم که برای سخنوری ارزش فراوان قایل بودند، شیوه های سخنوری سیاسی، دادگاهی و رسمی را از یکدیگر متمایز کردند. هر یک از این سبک ها شیوه خاص خویش را داشت.

بعد ها آنها را به سه نوع عالی، خوب و بد تقسیم کردند. از دیدگاه دیگر سبک به گونه سبک شخصی و سبک دوره ای تقسیم شد.



سبک فردی: سبک خاص هر فرد است و سبک دوره ای شیوه‌ای است که در یک دوره خاص رواج میابد

طبقه بندی ارسطو(متداول ترین طبقه بندی)

- ۱- بر اساس نام آفریننده اثر: قدرت تاثیر شاعر و یا نویسنده آن سبک بسیار زیاد است و سبک او مورد تقلید دیگران قرار می‌گیرد مانند: سبک سعدی، خیام شکسپیر، بالزاک .
- ۲- متناسب از دوره یا زمان آفرینش آن گرفته میشود: سبک مشروطه، قرون وسطایی، سلجوقی و سامانی
- ۳- نام سبک را از موضوع سخن می‌گیرند: سبک فلسفی، حماسی، حقوقی، عرفانی و عاشقانه
- ۴- نام سبک از محیط جغرافیایی گرفته می‌شود: سبک خراسانی، سبک آذربایجانی
- ۵- نام سبک از زبان به کار رفته در اثر اخذ می‌شود: سبک آلمانی، سبک فرانسوی، سبک گفتاری، کهن گرا، استعاری، رمزی و...
- ۶- بر اساس نوع مخاطبان آن: درباری، کودکانه، خودمانی، عامیانه، روستایی
- ۷- سبک را از هدف مولف می‌گیرند: سبک مردم فریب، ارشادی، نیش دار و...

تقابل سبک ها

سبک ها از طریق مقایسه اثرها با دیگر بهتر درک می‌شوند اگر سبک فردوسی در مقابل سبک منوچهری شاعر همزمان وی قرار دهیم ویژگی‌های زبانی معناییو هنری آن دو دقیقتر دریافت می‌شود.

در فهرست زیر سبک های دوگانه با یکدیگر تقابل دارند: ((سبک شفاف / سبک مبهم)) ((تقلیدی / ابتکاری)) ((کهنه/نو)) ((عام / خاص)) ((رسمی / عامیانه)) ((فکاهی / جدی)) ((لطیف / خشن)) ((تقلیدی / ابتکاری)) ((منسجم / پریشان)) ((ساده / پیچیده)) ((فصیح/غیر فصیح)) ((یکنواخت / متنوع)) ((استدلالی / غیر استدلالی)) ((عقلی/عاطفی)) ((خوب/بد)) ((سرد/جذاب)) و ...

روش تحلیل سبک ادبی

برای بررسی و تجزیه و تحلیل سبک هر نویسنده یا شاعر اثر وی را در سه سطح زبان شکل های هنری سخن و واحدهای فکری می‌توان بررسی کرد عناصر زبانی سه عنصر آوا، کلمه و جمله تجزیه و تحلیل می‌شود.

تناسب ها و روابط میان آنها کیفیت واژگان ساخت لفظی و معنای آنها و نیز نحو و جملات در این مرحله به بحث گذاشته می‌شود.



در قلمرو بحث از شگردهای هنری سخن به کمک دانش های بدیع، معانی و بیان به تجزیه و تحلیل صناعت های هنری در زبان اثر ادبی می پردازند و در قلمرو به اندیشه ، مختصات فکری نویسنده یا شاعر بررسی می شود. روحیات ، اعتقادات ، نوع نگرش به جهان، شادی گرایی، غم گرایی و دیگر جنبه های فکری مولف از طریق تنظیم و طبقه بندی آماری واحدهای فکری او به آسانی کشف می شود که اگر تجزیه و تحلیل ها آماری باشد یافته های پژوهش معتبر خواهد بود.

در تحلیل واحدهای زبانی ، تصویری و فکری بیش از هر چیز مورد توجه است زیرا این تکرارها گویای مشخصه های خاص سبک هستند.

مثلا در شعر حافظ ایهام (دوپهلوگویی) دارای بالاترین بسامد است و از مشخصه های های بزرگ سبک حافظ به شمار می رود می رود

مراحل شکل گیری سبک

سبک هنرمندان برجسته طی سه مرحله تکمیل میابد: ۱- تقلید ساده از دیگران ۲- استقلال نسبی ۳- فردیت در شیوه بیان

تنها هنرمندان برجسته اند که به فردیت می رسند و صدای آنها با همه صداها فرق دارد.

تحول سبک

قاعده تحول سبک ها در پنج مرحله صورت می گیرد: ۱- تاسیس ۲- تکامل ۳- اوج گیری ۴- انحطاط ۵- استحاله

سبک خراسانی در زبان فارسی را شاعرانی همچون حنظله بادغیسی و فیروز مشرقی که نخستین شاعران فارسی زبان بودند پایه نهادند و رودکی و دقیقی از آن را به کمال رساندند فردوسی و منوچهری و دیگران آن را بر اوج نشانند و در کار امیر معزی و لامعی و اسدی توسی این سبک به انحطاط گرایید و به تدریج در سبک تازه ای که همچون جوانه از تنه سبک کهن سر برآورد مستحیل شد.

سبک های ادبیات فارسی

الف) شعر: تقسیم بندی و سبک ها به صورت زیر است:

۱- سبک خراسانی یا ترکستانی: از میانه سده ۴ آغاز شد و تا میانه سده ششم و رواج دارد شاعران نسبت به توصیف واقع گرایانه طبیعت می پردازند و از صناعات پیچیده ادبی کمتر بهره می برند از نامداران این سبک: رودکی، فردوسی، فرخی منوچهری و عنصری را باید نام برد

۲- سبک عراقی: از سده هفتم تا پایان سده دهم رواج داشته است ویژگی بارز این سبک اشتغال بر اندیشه های تصوف و عرفان است. قالب شعری رایج آن غزل است ، برجسته ترین شاعران آن: عطار، مولوی، سعدیو حافظ می باشد

